



عوامل تحکیم و تقویت نظام خانواده

محمد غلامپور^۱ - اسامه سکین عبدالغنی^۲

چکیده

اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادی اجتماع بشری و فرهنگ‌های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده می‌باشد. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است.

مقصود از تحکیم خانواده، فراگیر بودن اصل اعتدال، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست. قرآن کریم هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده را به سکونت رسیدن اعضا می‌داند^۳ بنابراین لازم است که همه رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد.

استحکام و قوام خانواده علل گوناگونی دارد که نوشتار حاضر در صدد است با استفاده از آیات و روایات و نگاهی روان‌شناختی مهم‌ترین عوامل تحکیم روابط خانواده را ارائه نماید.

تحکیم روابط خانواده، به دو دسته عوامل برون‌خانوادگی و درون‌خانوادگی بستگی دارد. در بخش عوامل برون‌خانوادگی این عوامل در سه محدوده «فرهنگ و محیط اجتماعی»، «اقتصاد جامعه» و «خانواده‌های طرفین» خلاصه می‌شود. در بخش عوامل



۱. محقق و کارشناس دفتر برنامه ریزی تربیتی.

۲. دانش‌آموخته جامعه‌المصطفیٰ العالمیه از کشور آمریکا.

۳. و من ایاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها (روم / ۲۱).



درون خانوادگی به «توجه به جایگاه خانواده»، «مسئله سرپرستی خانواده»، «تثبیت نقش‌ها» و «محبت زن و شوهر» اشاره شده است.

واژگان کلیدی: خانواده، تحکیم جایگاه خانواده، سرپرستی خانواده، تثبیت نقش‌ها، محبت، روابط جنسی

مقدمه

همه دست‌آوردهای علمی، هنری و... بشر در سایه خانواده‌ای سالم و امن پدید آمده است. بدون خانواده، نه تنها هویت انسانی بشر نابود می‌شود، بلکه همه تلاش‌های فردی و اجتماعی نیز بی‌ثمر و نافرجام خواهد ماند. از این رو، ملت‌هایی که در آستانه فروپاشی خانواده قرار گرفته‌اند، در صدد حفظ این نهاد مهم برآمده‌اند.^۱

پیوند زناشویی، امری غریزی و از نیازهای اولیه و اساسی انسان است و نیازی به آموزش و محرک خاصی ندارد، اما تداوم این پیوند و داشتن روابطی صحیح که به پایداری خانواده منجر می‌شود، نیازمند آموزش است.

قرآن کریم، برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر، برای دستیابی به حیات طیبه، بخش عظیمی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی، انسان را جهت دستیابی به عالی‌ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت می‌کند.

اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن (زن و شوهر)، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر استمرار آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود. تأکیدات اخلاقی و سفارشات حقوقی قرآن کریم و روایات گرانقدر ائمه طاهیرین علیهم‌السلام، برای تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، بیش از جوانب دیگر حیات بشری است؛ بلکه در یک نگاه کلی، تمامی احکام و دستورهای اسلام به نوعی ناظر بر صیانت از خانواده است. بخشی از آن برای تزکیه و تطهیر فرد و بخشی در مورد اصلاح جامعه و حفظ سلامت آن وضع شده است.

تعریف تحکیم روابط خانواده

مقصود از تحکیم خانواده چیست؟ آیا منظور نگه‌داشتن بنایی هر قدر سست و ناپایدار و صرفاً با حفظ نامی از آن است؟ آیا منظور، پایداری خانواده به قیمت کوتاه آمدن یک طرف و پذیرش ظلم از سوی او و بی‌عدالتی از طرف مقابل است؟ آیا صرف اجتماع چند وابسته نسبی یا سببی، زیر یک سقف با هرگونه روابطی هر قدر ظالمانه، با نادیده گرفتن حقوق و شخصیت انسانی یک نفر و زورگویی و یکه‌تازی دیگری، خانواده‌ای محکم خواهد بود؟

به طور قطع، سر پا بودن خانواده با تحکم از سوی یک فرد و بردباری از سر ناچاری و ترس از فروپاشی از سوی دیگری، استحکامی در پی نخواهد داشت و اگر در ظاهر پایدار بماند، از درون پوسیده و فرونشسته است.

مقصود از تحکیم خانواده، فراگیر بودن اصل اعتدال، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، به سکونت رسیدن اعضاست، «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها» لازم است که همه رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد. منظور از تحکیم، به کمال رساندن همین سکونت است که با کمترین ظلم و تحقیر حتی یک عضو در خانواده، سازگار نیست.

عوامل مؤثر بر تحکیم روابط خانواده

تحکیم روابط خانواده، به دو دسته عوامل برون خانوادگی و درون خانوادگی بستگی دارد:

۱. عوامل برون خانوادگی

این عوامل به طور کلی در سه محدوده فرهنگ و محیط اجتماعی؛ اقتصاد جامعه و خانواده‌های طرفین خلاصه می‌شود.

الف) فرهنگ و محیط اجتماعی

روابط انسان، انعکاس آموخته‌های پیرامونی اوست. فرهنگ و نحوه زیست هر فرد،





اولین عامل مؤثر در روابط او می‌باشد، به طوری که از رفتار یک جامعه می‌توان وضعیت فرهنگی و محیط رشد مردم را ارزیابی کرد. از این روست که هنجارهای رفتاری در اقوام و ملیت‌های مختلف، متفاوت است. روابط اعضا در خانواده نیز، متأثر از ادبیات محیط و آموخته‌های غیرمستقیمی است که از اطراف دریافت می‌شود. صبوری، مدارا، حفظ عفت، پای‌بندی به خانواده و همسر، یا پرخاشگری، عدم سازش، طغیان‌گری و بی‌بندوباری از ویژگی‌هایی است که خانواده‌ها تا حدود زیادی از محیط خود می‌آموزند.

امروزه یکی از عواملی که به صورت غیر مستقیم بر روابط اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد، ارتباطات مجازی است. از آن‌جا که شیوه کنترل از بالا (filtering)، معمولاً به آسانی خنثی می‌شود، بهترین راه تربیت خانواده، ترویج فرهنگ استفاده مناسب و معقول از رسانه‌هاست؛ هر چند که هر روزه اخباری درباره آثار نامطلوب تلویزیون، رایانه و اینترنت به سلامت روانی و جسمانی افراد منتشر می‌شود، البته تاکنون راه‌کار مناسبی برای ترویج استفاده مناسب از رسانه‌ها ارایه نشده است. در هر حال، استفاده از رسانه‌ها در بعد کمی و کیفی باید تعدیل و مهار شود؛ مثلاً برنامه‌ریزی زمانی معینی برای استفاده اعضای خانواده از رسانه با توافق اعضای آن تدوین گردد. از لحاظ کیفی نیز لازم است بر اساس ارزش‌های دینی، اخلاقی و بومی، ملاک‌ها و مرزهایی برای استفاده از برنامه‌ها تعیین شود و متناسب با مراحل تحول، برنامه‌هایی در اختیار فرد قرار گیرد. در سنین نوجوانی و جوانی که معمولاً افراد به درک عقلانی و انتزاعی می‌رسند، تبیین و توجیه ملاک‌های مطلوب و نامطلوب بودن برنامه‌ها، برای آن‌ها ضروری است.

در مجموع برای استمرار ارزش‌های دینی و اخلاقی در بین انسان‌ها، راهی به جز تحکیم خانواده نداریم. خانواده در معرض حملات و یورش‌های بسیاری قرار دارد. با این وجود باید مشکلات را اداره کرد، خانواده باید اختیار خویش را در دست گیرد. بی‌تردید خانواده مصرف‌کننده و منفعل، مسیر نابودی را طی می‌کند. باید بین خانواده و توسعه، تعامل برقرار کرد و ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی حاکم بر خانواده‌ها را

حفظ و تقویت نمود. (سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی) بنابراین، یکی از عوامل مؤثر در تحکیم روابط خانواده، داشتن محیطی سالم و هدایت‌گر است. تأکید اسلام بر طهارت محیط، حفظ حدود الهی در جامعه و صیانت از فرهنگ اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، به دلیل تأثیر قهری مفسد بر فرد و خانواده است. این نکته مهم از آیه کریمه «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر...»^۱ به دست می‌آید که خداوند، امت اسلامی را به شرط امر به معروف و نهی از منکر، بهترین امت می‌نامد، زیرا اصلاح محیط از وظایف واجب مسلمانان است.

ب) اقتصاد جامعه

از دیگر عوامل خارجی مؤثر در روابط خانواده، اقتصاد کلان در جامعه است. از آن‌جا که میزان درآمد خانواده و رفاه نسبی مردم، متأثر از اقتصاد عمومی است، همه شئون خانواده، تحت تأثیر این جریان خواهد بود. اقتصاد ضعیف، خانواده‌های فقیر در پی دارد و روابط در خانواده فقیر با خانواده ثروتمند متفاوت است. در خانواده‌های فقیر، تلاش پدر به تنهایی جواب‌گو نیست و مادر هم مجبور به کار در خارج از منزل است و گاه فرزندان نیز وارد بازار کار می‌شوند. این تلاش همگانی، اگر همراه با فرهنگ اشتغال جمعی نباشد و مادران و پدران نسبت به تنظیم روابط عاطفی با یکدیگر و فرزندان توجه نداشته باشند و در صدد جبران برنیابند، در فرهنگ روابط اعضا تأثیر منفی خواهد گذاشت و موجب ایجاد فاصله و تنهایی می‌گردد. این نکته از مسائل مهم مورد ابتلای مادران شاغل در سراسر جهان است، زیرا اشتغال مادران و جدایی آنان از کودکان در سنین مختلف، از عواملی است که به انحای مختلف در روان کودک و تعادل رفتاری وی مؤثر می‌باشد. از دیدگاه بسیاری، سپردن کودکان به سازمان‌های خاص، آن هم در زمانی که کودک بیشترین نیاز را به مادر دارد، موجب بروز نابسامانی‌های روانی



خاصی در بزرگسالی می‌شود.^۱ لذا این مسأله، از موضوعات مهم روان‌شناختی و جامعه‌شناختی خانواده، در دهه‌های اخیر است. «هر قدر اقتصاد و زندگی خانوادگی توسط زنان بیشتر اداره شود، قدرت اجتماعی آن‌ها نیز در خانواده بیشتر خواهد شد و اشتغال در کار خارج از خانه، در چگونگی روابط عاطفی آن‌ها با اعضای خانواده اثر می‌گذارد و هر قدر نظام جدید خانواده تغییر شکل پیدا می‌کند، روابط عاطفی ضعیف‌تر می‌شود.»^۲

ج) خانواده‌های طرفین

در خانواده‌های شرقی، از جمله ایرانی، خانواده جدید از خانواده‌های ماقبل (والدین زن و شوهر) بریده نمی‌شود و همیشه یک وابستگی عاطفی و امدادی با آنان را حفظ می‌کند. پدران و مادران هم چندان رضایتی در استقلال کامل زوج جوان ندارند. از این رو، گاه با دخالت‌های دلسوزانه خود زمینه اختلاف میان زوج جوان را فراهم می‌آورند. این ارتباطات گرچه از حیث روانی مطلوب است، اما چنان‌چه به افراط کشیده شود، مخرب خواهد بود. تفریط در این روابط هم آسیب زنده است، زیرا زوج‌های جوان تا مدت‌ها پس از ازدواج، نیازمند راهنمایی و توجه والدینشان می‌باشند و حذف حضور بزرگان به طور مطلق در تحکیم روابط اولیه زوجین، تأثیر منفی دارد. در تربیت فرزندان و رابطه والدین جدید با آنان نیز، حضور خانواده‌های ماقبل به عنوان مادر بزرگ و پدر بزرگ مفید است. البته حضوری معتدل، به نحوی که به نقش والدین اصلی لطمه نزنند. این حضور در بسیاری از مواقع، از سردی روابط و پراکندگی اعضا ممانعت می‌کند. به همین سبب خانواده‌های گسترده در گذشته و حال، از بسیاری آسیب‌های خانوادگی در امان بوده و هستند و میزان طلاق در آنان بسیار پایین است.

اسلام بر ادامه رابطه فرزندان با خانواده‌های ماقبل تأکید دارد و آن را مایه برکت

۱. ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۲.

۲. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۵.

می‌داند. احترام به والدین، سرپرستی و نگهداری بزرگسالان و تأمین آن‌ها و هم‌چنین وجوب نفقه پدر، مادر، مادربزرگ و پدربزرگ از سفارشات اکید ائمه علیهم‌السلام است.

خداوند در قرآن کریم، تکریم والدین را در چندین مورد توصیه می‌کند:

۱. احسان به پدر و مادر، وصیت خداوند است: «و وصینا الانسان بوالديه حسناً»^۱.

۲. بعد از شکر خداوند، والدین را شکرگزاری کنید: «و وصینا الانسان بوالديه... ان اشکرلی و لوالدیک و الی المصیر»^۲.

۳. احسان به پدر و مادر، سفارش قرآن بعد از سفارش به پرستش خدا است: «واذ اخذنا میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الا الله و بالوالدین احساناً و ذی القربی...»^۳. روشن است که احسان، مرتبه‌ای بالاتر از احترام و اطاعت است. در مکتب اسلام، احترام به هر بزرگتری وظیفه است و اطاعت از هرکس که به انسان خدمتی کرده، از ادب و اخلاق شمرده می‌شود، اما والدین جایگاه احسان را دارند، نه فقط احترام و اطاعت را.

۴. اطاعت از والدین، مگر در امر آنان به شرک: «وان جاهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم، فلا تطعهما»^۴ اگر والدین بکوشند تا به من (خداوند) از روی جهل شرک ورزی، از امر آن‌ها اطاعت مکن».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۲. عوامل درون خانوادگی

عوامل درون خانوادگی در تحکیم روابط، بسیار متعدد است. چنان‌که به طور مبسوط خواهد آمد، تفکیک امور حقوقی و اخلاقی در خانواده، بسیار مشکل است، زیرا همه رفتارها و برخوردها در روابط اعضا نقش دارد. خانواده، حقوقی‌ترین و حساس‌ترین فضای اجتماعی است. در این مجموعه، روابط باید پایدار و دائم باقی بماند. بنابراین، هیچ امری نباید موجب تضعیف آن شود. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان عوامل مؤثر

۱. عنکبوت / ۸ احقاف / ۱۵.

۲. لقمان / ۱۴.

۳. بقره / ۸۳.

۴. عنکبوت / ۸.



بر تحکیم روابط در درون خانواده را چنین برشمرد:

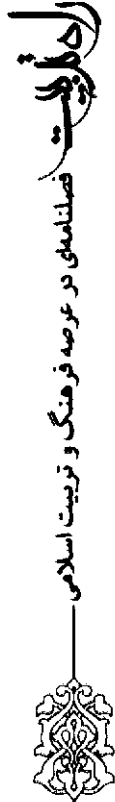
الف. توجه به جایگاه خانواده

درک موقعیت و جایگاه خانواده از سوی اعضا، اولین گام در تنظیم روابط است. هر یک از افراد باید به هدف اصلی خانواده که سکونت اهل آن است، توجه داشته باشد و در جهت تأمین آن تلاش کند و خواسته‌ها و توقعات خود را به سمت آن هدف سوق دهد.

نگاه قرآن به خانواده، نگاه به چند نفر به قصد هم‌زیستی زیر یک سقف، نیست. قرآن، خانواده را نظامی جامع و در مسیر کمال می‌بیند و بالقوه آن را یک مجموعه متعالی برای تأمین اهدافی مقدس می‌انگارد که برای به فضیلت رساندن آن برنامه‌ریزی می‌کند و جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با این ویژگی تعیین می‌نماید. آیات ذیل به این ویژگی خانواده مؤمن اشاره دارد:

ویژگی اول: «والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قرۃ اعین واجعلنا للمتقین اماماً»^۱ و کسانی‌اند که می‌گویند، پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایهٔ روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.

خداوند در سوره فرقان، دوازده ویژگی برای عبادالرحمن نام می‌برد. در یازدهمین ویژگی، به توجه خاص مؤمنان به خانواده و فرزندان اشاره می‌نماید. طبق آیهٔ مبارکه، آن‌ها تنها به ابراز احساسات اکتفا نمی‌کنند، بلکه برای خانواده خویش دعا می‌کنند. «بدیهی است که منظور این نیست که تنها در گوشه‌ای بنشینند و دعا کنند؛ بلکه دعا دلیل شوق و عشق درونی‌شان به این امر است و رمز تلاش و کوشش. مسلماً چنین افرادی آن‌چه در توان دارند، در تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آن‌ها به اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت، فروگذار نمی‌کنند...»^۲ در پایان آیه که می‌فرماید: «واجعلنا للمتقین اماماً»، دعایی بسیار متعالی برای جمع خانواده می‌کند و نمی‌فرماید: «واجعلنی للمتقین اماماً» و امامت و رهبری امت را برای خود و اهل بیت خود می‌خواهد.



۱. فرقان / ۷۴.
۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۶۷.

به طور مسلم، این دعا خودسازی و آمادگی آنان برای الگو شدن در میان امت را می‌طلبد. در حقیقت، مؤمن با یک برنامه دراز مدت، خود و خانواده خود را تربیت می‌کند تا به عالی‌ترین مرتبه از بندگی یعنی جایگاه عبدالرحمن (مؤمنان ممتاز) دست یابند.

ویژگی دوم؛ «و وصینا الانسان بوالديه احساناً، حملته امه کرهاً و وضعته کرهاً و حملة و فصالة ثلاثون شهراً حتی اذا بلغ اشدّه و بلغ اربعین سنة قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التي انعمت علیّ و علی والدیّ و ان اعمل صالحاً ترضیه و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین»^۱.

آیه فوق، رابطه سه نسل با یکدیگر را بیان می‌کند. خداوند انسان را به احسان والدین سفارش می‌کند و برای توجه دادن به فرزند، رنج مادر در سال‌های حمل، زایمان و شیردهی (سی‌ماه) را یادآور می‌شود تا این‌که نسل دوم به چهل سالگی (سن کمال) می‌رسد و از خداوند توفیق شکر نعمت‌های الهی نسبت به خود و والدینش را می‌خواهد و برای فرزندانش (نسل سوم) دعا می‌کند که صالح باشند و مورد رضای خالق قرار گیرند. تربیت جامع قرآنی، در این آیه مشهود است.

طبق آیه مبارکه، مسلمان باید خود، ریشه خود و نسل بعد از خود را به خداوند وصل کند و از او برای اصلاح همگان کمک بطلبد. این جامعه مطلوب قرآنی است که در آن پیوستگی نسل‌ها با محوریت عبودیت و خداجویی حفظ می‌شود و هرکس با رشته محبت و وفا، به دو نسل قبل و بعد خود وابسته می‌شود.

امام سجاد علیه السلام در دعایی که به یکی از دوستان خود تعلیم داد، فرمود: «ربّ لاتذرنی فرداً و انت خیر الوارثین، و اجعل لی من لدنک ولیاً یرثنی فی حیاتی و یرثنی بعد موتی و اجمله لی خلقاً سوياً و لاتجعل للشیطان فیہ نصیباً، اللهم انی استغفرک و اتوب الیک، انک انت الغفور الرحیم»^۲. پروردگارا، مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی. برای من از جانب خود فرزندی قرار ده که در زندگی وارث من باشد و بعد از مرگم، برایم طلب آمرزش کند و او را از نظر خلقت، سالم و هماهنگ گردان و برای شیطان، در او بهره‌ای قرار



مده. خدایا! از تو طلب آمرزش می‌کنم و به درگاہت توبه می‌نمایم که تو آمرزنده و رحیمی.»

در این دعا نیز، مؤمن برای خود و وارثانش از خداوند طلب مغفرت، خلقت نیکو، دوری از شیطان و زیبایی ظاهر و باطن می‌کند. ضروری است که اهل خانه به این پیوستگی عاطفی و الهی توجه داشته باشند و خود را در خدمت اعضا بدانند، نه طلبکار. چنان‌که اشاره شد، خدمت به دیگران، دعا در حق آنان و رعایت اخلاقیات را وظیفه خود و حق آنان دانسته، نه لطف و مرحمت نسبت به آن‌ها. حاکمیت این فرهنگ قرآنی، به‌طور مسلم در تحکیم و تحسین روابط خانواده مؤثر خواهد بود.

ب) مسأله سرپرستی خانواده

از نظر حقوقی وقتی خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع تشکیل شد سرپرست می‌خواهد. اصولاً از نظر اسلام هر اجتماعی که تشکیل می‌شود به سرپرست نیاز دارد. از آن‌جا که سلامت زندگی اجتماعی منوط به سلامت محیط خانواده است اسلام عنایت خاصی دارد که بنیان خانواده درست پی ریزی شود و دوام پیدا کند، بدین لحاظ برای خانواده سرپرست تعیین کرده است. خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره نساء که می‌فرماید: «الرجال قوامون على النساء» با نسبت دادن قوامیت به مردان، فصل حقوقی وسیعی را در کانون خانواده می‌گشاید و تکلیف سنگینی بر دوش مردان می‌گذارد. در تفسیر این معنا، دو محور مورد بحث است: ۱. وظایفی که طبق آیه مربوطه برای مردان تعیین می‌شود؛ ۲. جایگاه و موقعیتی که مرد بر حسب این وظیفه در خانه کسب می‌کند و محدوده ولایت و اختیارات اوست.

در محور اول، اختلافی وجود ندارد و همگان مرد را موظف به انجام اموری چون تأمین نفقه خانواده، مراقبت و حمایت همه‌جانبه از خانواده می‌دانند. اما در محور دوم، اختلافاتی که ناشی از تعبیر مفسران از کلمه «قوام» است، وجود دارد. آیه کریمه، با دو عبارت «بما فضل الله بعضهم على بعض» و «بما انفقوا من اموالهم»، تقریباً دو دلیل

یا دو مصلحت برای قوامیت مرد ذکر می‌کند. با این وجود، تفسیر این دو عبارت و برداشت‌های دیگر از آیه، زمینه‌تعبیر چندگانه‌ای را فراهم می‌کند که ذیل تفسیر آیه در منابع ذکر شده است. اما نتیجه اختلافات و مباحث در مجموع آن است که صاحب‌نظران در «قوامیت مردان در خانواده» در دو امر اشتراک نظر دارند:

۱. قوامیت مرد، در حد وظیفه‌مندی او در خانواده؛ یعنی ریاست خانواده، در حد فراهم آوردن زمینه حفظ و تعالی آن بر حسب مصلحت خانواده است و به هیچ وجه، تحکم، زورگویی و قلدری را برای او تجویز نمی‌کند. در حقیقت، حاکمیت یا حکومت و ریاست مرد را می‌پذیرد، نه تحکم و دیکتاتوری وی.

۲. گرچه برخی برتری جسمی یا حتی عقلی مردان را ملاک مکلف شدن آنان از جانب خداوند در امر ریاست خانواده می‌دانند، اما هیچ یک این برتری را به معنای برتری حقیقی، یعنی افضلیت ذاتی مرد نزد خداوند و مأجور بودن بیش از زن را قبول ندارند.

اگر طبق آیه قرآن، «قوامیت» در خانواده به مرد سپرده می‌شود، این مسئولیت تفسیری شخصی یا تاریخی را بر نمی‌تابد تا حاکمیت مرد بر خانواده، طبق سلیقه فردی صورت گیرد؛ بلکه این ریاست صرفاً سمتی است که وظایف بسیار مهمی را بر عهده مرد می‌گذارد. اولین وظیفه مرد، برپایی و رعایت اصل معروف در خانواده است؛ یعنی قبل از آن که مسئولیت قوامیت بر زنان را بپذیرند، مأمور به فرمان «قل امر ری بالقسط»^۱ و «کونوا قوامین بالقسط»^۲ می‌باشند و مهم آن است که برپایی قسط در خانواده توسط مردان، حداقل وظیفه آنان در برقراری روابط در خانواده خواهد بود و باید آن را تا حد متعالی از «حسن معاشرت»، تعالی بخشند. «این مدیریت، فخر معنوی نیست، بلکه یک کار اجرایی است و این چنین نیست که آن کس که رئیس یا مسئول شد و قوام شد، به خدا نزدیک‌تر باشد، آن فقط یک مسئولیت اجرایی است.»^۳

«سپردن این وظیفه به مردان، نه به دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنهاست و نه به سبب امتیاز آنها در جهان دیگر، زیرا آن صرفاً بستگی به تقوا و پرهیزگاری دارد.

۱. اعراف / ۲۱.

۲. نساء / ۳۴.

۳. جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، ص ۳۶۷.



همان‌طور که شخصیت انسانی یک معاون از یک رئیس ممکن است در جنبه‌های مختلفی بالاتر باشد، اما رئیس برای سرپرستی کاری که به او محول شده، از معاون شایسته‌تر است.^۱ «بنابراین، اگر اسلام به زن دستور تمکین و به مرد اختیار سرپرستی می‌دهد، تنها بیان وظیفه است و هیچ‌یک نه معیار فضیلت است، نه موجب نقص... . نظام آفرینش استعداد‌های متقابل و متخالف می‌طلبد و این تفاوت هم، برای تسخیر دو جانبه و متقابل است، نه تسخیر یک‌جانبه، و این تسخیر نشانه فضیلت نیست، بلکه معیار فضیلت در چیز دیگر است که آن تقرب الی الله است.»^۲

در این‌جا با پرهیز از بحث‌های اجتماعی درباره این موضوع، بیان این نکته مهم است که در هر صورت، زندگی انسان باید در چارچوب مدون و مشخص، با تعیین دقیق وظایف، حدود، تکالیف و اختیارات اداره شود. در محدوده خانواده که کوچک‌ترین واحد جامعه است، باید بر حسب استعداد، روحیات و ظرفیت افراد، تقسیم وظایف شود. خداوند این تقسیم‌بندی را در خانواده با واگذاری ریاست آن به مرد و تمکین به زن قائل شده است که گرچه به ظاهر جانب مردان را گرفته است، لکن در یک نظام جامع حقوقی، با ملاحظه همه جوانب و نتیجه نهایی، عدالت به طور دقیق رعایت شده است، به شرط آن که مرد و زن در محدوده الهی گام بردارند.

خانواده محفلی روحانی است که اگر همه اعضا متعهد به انجام وظیفه و رعایت حقوق دیگران باشند، به تجلی‌گاه اراده حق، مظهر یگانگی و توحید عملی تبدیل خواهد شد. حسن معاشرت مرد با زن، تمکین و مدارای زن، تربیت فرزندان، اطاعت فرزندان و... همان هدف کلی از خلقت که طبق آیه «و ما خلقت الجن والانس الا لیمبدون»^۳ را در این فضای ملکوتی محقق خواهد کرد. زن در در چنین محیطی می‌تواند در سایه جهاد اکبر (حسن التبعّل)، زمینه تعالی خود، تربیت فرزندان و نسل‌های توحیدی را فراهم آورد.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۱۳.

۲. همان، ص ۳۶۵.

۳. ذاریات / ۵۶.

ج) تثبیت نقش‌ها

خانواده، جامعه کوچکی است که نیازمند مدیریت است. بهترین نمود مدیریت خانواده، در تثبیت نقش‌هاست. زن و مرد مسلمان، در سایه ازدواج، پیمان وحدت بسته‌اند و دست بیعت بر ایجاد محیطی سرشار از تفاهم و رشد داده‌اند. آن‌ها بنیان‌گذار یک خانواده و یک نسل انسانی هستند. لازمه دست‌یابی به این هدف مقدس، آن است که در یک نظام صحیح، موقعیت هر فرد طراحی و تعیین شود و بپذیرد که نسبت به دیگری حقوقی دارد و در قبال آن وظایفی را متعهد می‌شود. مرد، همسر و پدر خانواده است و حق همسری و پدری دارد و باید حقوق او در جایگاهش رعایت شود. زن نیز همسر و مادر خانواده است و باید حقوق او نیز در هر دو جایگاه محفوظ باشد. در این میان، انتظارات افراد از یک‌دیگر برحسب نقش‌ها تعدیل می‌شود. فرزندان باید پدر را در جایگاه پدری باور کنند، نه خدمت‌گزار و مادر را نیز در جایگاه مادری باور کنند، نه خدمت‌کاری با محبت و سخت‌کوش. همسران نیز باید موقعیت یک‌دیگر را در نظر داشته باشند. البته همکاری و کمک به دیگری در خانواده، به معنای تزلزل یا جابه‌جایی نقش‌ها نیست و اختلاف سلیقه هم امری پذیرفته است. در خانواده قرآنی، پدرسالاری، مادرسالاری یا فرزندسالاری معنا ندارد. همه تابع حق و عدالت‌اند.

د) محبت زن و شوهر

عشق و علاقه بین زن و شوهر، مطلوب اسلام و از نظر قرآن کریم از نشانه‌های خداوند متعال است:

«و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم مودة و رحمة»؛
و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد.

علاوه بر این که این محبت و دوستی یک ارزش است، اهل بیت علیهم‌السلام انتظار دارند که زن و شوهر تلاش کنند، این عشق پاک افزایش یابد. امام صادق علیه‌السلام در این باره





می‌فرماید: «ما اظن رجلاً یزدداد فی الایمان خیراً الا ازداد حباً للنساء»^۱ گمان نمی‌کنم مردی افزایش در ایمان پیدا کند مگر این که محبتش نسبت به زنان بیشتر شود.»
 بدیهی است که مؤمن دائم می‌کوشد تا ایمان خود را قوی‌تر کند. راجع به محبت زن و شوهر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ان من خیر نساءکم الودود؛ بهترین زنان شما، کسی است که شوهر خود را دوست داشته باشد.» در حدیث دیگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ما يعدل الزوج عند المرأه شیء؛^۲ از دیدگاه زن، هیچ چیز به اندازه شوهر ارزش ندارد!» این محبت زن و شوهر جزء محبت‌های خدایی است. و هر چه بیشتر شود بهتر است.

عوامل محبت آفرین

۱. احترام

رعایت حرمت همسر شرط عشق پاک زن و شوهر است. در برخی از خانواده‌ها انسان از نوع برخوردارها، احساس می‌کند که آن‌ها برای غریبه بیشتر حرمت قائل هستند تا یکدیگر انسان در ابتدا فکر می‌کند که سخت است که زن و شوهر کاملاً با هم صمیمی باشند و در عین حال عمیقاً برای یک‌دیگر احترام قائل باشند، ولی این شدنی است و برای موفقیت، جمع این دو ضروری است.

«احترام به این معنا نیست که مثلاً هم‌دیگر را با القاب و آداب صدا کنند، بلکه قلباً مرد نسبت به زن خود و زن نسبت به مرد خود، احساس احترام داشته باشند. احترام را در قلب نگه دارید، برای هم حرمت قائل باشید. این در اداره زندگی مهم است. بین زن و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد.»^۳

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راجع به احترام به زن می‌فرماید: «من اتخذ زوجةً فلیکرها»^۴ هر کسی که زن بگیرد باید او را گرامی بدارد.»

احترام ابعادی دارد؛ یک بعد مهم آن حفظ حرمت همسر است. شوهر نباید شخصیت همسر خود را جلوی هیچ کس مخصوصاً فرزندان خرد کند؛ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به این

۱. اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۰.

۲. همان، ج ۵، ص ۶۰۶.

۳. محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق، ص ۷۰.

۴. نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۸.



مطلب چنین اشاره نموده‌اند: «حق الولد علی والده اذا كان ذكراً ان يستفره امه... و اذا كانت انثى ان يستفره امها...»^۱ حق پسر بر پدر این است که در حضور او مادرش را احترام کند و با او بد رفتاری نکند... و حق دختر بر پدر این است که در حضور او مادرش را احترام کند و با او بد رفتاری نکند...»^۲

بنابراین «محبت خود را با احترام زیاد و اخلاق خوش و گذشت و خدمت نشان دهید، حفظ شخصیت همسران مخصوصاً در مقابل دیگران، شما را نزد او بالا می‌برد و این احساس که شما موجب سرافرازی او شده‌اید بیش از هر چیزی او را به شما علاقه‌مند می‌کند.»^۳

بعد دیگر احترام، حرمت قائل بودن برای همسر منهای عملکرد و یا وضع فعلی اوست، یعنی برای شأن او، به عنوان همسر احترام قائل باشد.

۲. آرامش بخشیدن

عامل دیگر که بستر محبت عمیق را می‌آفریند، آرامش بخشیدن است. یکی از اهداف مهم ازدواج در نظر قرآن، آرامش یافتن است. دو آیه در قرآن به این مسأله پرداخته است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۴

و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش بیابید.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَفَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا حَنِينًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثَقَلَتِ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»^۵

او کسی است که شما را از یک شخص آفرید و از او همسرش را قرار داد تا بدان آرام گیرد.

۱. اصول کافی، ج ۶ ص ۴۸.

۲. سیدمحمد نجفی یزدی، اخلاق در خانواده و تربیت فرزند، ج ۱، ص ۱۱۴.

۳. روم / ۳۱.

۴. اعراف / ۱۸۹.



«انسان در تلاطم‌های زندگی که ناشی از برخوردهای ناگزیر است، به دنبال یک فرصت می‌گردد تا به آن پناه برد. اگر یک زوج باشند، در این تلاطم‌ها به یک‌دیگر پناه می‌برند، زن به شوهر پناه می‌برد و شوهر هم به زنش پناه می‌برد.»^۱

در این مسأله وظایف زن و مرد اندکی متفاوت است. زن در مدیریت داخل خانه قوی‌تر از مرد عمل می‌کند و سهم بیشتر در آرامش بخشیدن دارد. از امام رضا علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: «جعل النساء سکناء^۲ خداوند زنان را (مایه) آرامش قرار داد.»

«و این کار اگر چه از دو طرف لازم است ولی مسئولیت بیشتر به عهده زن است، و به همین لحاظ است که در روایات متعدد، به زنان توصیه شده است تا تلاش کنند رضایت شوهر را به دست آورند، و دیدیم که قرآن از زن‌ها به عنوان آرامش دهنده یاد نموده است. در روایتی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: وقتی به زهرا نگاه می‌کردم، هر غم و غصه‌ای که داشتم برطرف می‌شد.»^۳

۳. تمیزی و زیبایی

نظافت، از ارکان مهم زندگی انسان است که هم شرع و هم عقل سلیم به آن حکم می‌کند. طهارت و نظافت در هر شرایطی لازم و پسندیده است، اما رعایت آن برای زن و شوهر اهمیت بیشتری دارد. کسانی که در حضور دیگران به ظاهر خود بیش از حد رسیدگی می‌کنند، ولی در حضور همسر خود در منزل این آراستگی و پاکی را رعایت نمی‌کنند، سخت در اشتباهند.

کارشناسان مسائل خانواده سفارش می‌کنند که زن و شوهر، حتی در خلوت‌ترین لحظه‌ها، به این مسأله اساسی اهمیت بدهند و با رعایت بهداشت و نظافت، به تحکیم رابطه عاشقانه خود بپردازند و نور محبت را در دل هم‌دیگر روشن سازند.

انسان فطرتاً مجذوب نظافت و زیبایی است. و این دو امر کاملاً در اختیار زن و شوهر هستند. در اهمیت این مسأله همین بس که حتی اگر او زیبا باشد خداوند متعال

۱. محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق، ص ۲۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۰.

۳. سیدمحمد نجفی یزدی، اخلاق در خانواده و تربیت فرزند، ج ۱، ص ۷.

می‌فرماید: «فَاتَّقِ لَوْ نُفَهَا تَسْرُ النَّاطِرِينَ»^۱ «بینندگان را شاد می‌سازد.»

«یک مرد و یا بانوی موفق، همواره سعی می‌کند، که خود و فرزندان و لباس و خانه و اثاث آن را زیبا و تمیز نگه دارد، تا صفای زندگی با تمیزی و زیبایی افزایش یابد. انسان خود به خود مشتاق زیبایی و تمیزی است و از آن لذت می‌برد.»^۲

رعایت این امور برای زن و شوهر و اصولاً هر مؤمنی مهم است، چون کثیفی موجب نفرت خداوند است. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «تَنْظِفُوا بِالْمَاءِ مِنَ الرَّيْحِ الْمَنْتَنِ الَّذِي يَتَأَدَّى بِهِ وَتَمَهِّدُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يِبْغِضُ مَنْ عْبَادَهُ الْقَاذِرَةَ الَّذِي يَتَأَنَفُ بِهِ مِنْ جِلْسِ إِلَيْهِ»^۳ با آب، بوی ناهنجاری که موجب اذیت است، از خود دور کنید و خود را پاکیزه کنید، به خودتان برسید و مواظب باشید، همانا خداوند از بنده‌های کثیفی که از بوی بد آنان، هم‌نشین آن‌ها ناراحت می‌شود، ناخشنود است.»

از طرف دیگر زیبایی و رسیدگی به ظاهر و قیافه در جلب رضایت خداوند مؤثر است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ»^۴ همانا خداوند متعال زیبایی و آراستن را دوست دارد.»

از منابع اسلامی و حتی غیراسلامی استفاده می‌شود که این کار برای هر دو مهم است، اما توجه زن به این امر، بسیار مهم‌تر است، «چون مرد به طور ناخودآگاه از آن چه زن انجام می‌دهد یا انجام نمی‌دهد با قیافه و ظاهر خود برای سنجیدن میزان احترام و علاقه زن به او استفاده می‌کند. او فکر می‌کند اگر زن به ظاهر خود رسیدگی می‌کند به این خاطر است که او را دوست دارد مرد به او جذب می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین شکایت که روند دادگاه طلاق توسط مردها عنوان می‌شد، این بود که بعد از ازدواج زنان آن‌ها به کلی نسبت به ظاهر بی‌اعتنا شدند.»^۵

۱. بقره / ۶۹

۲. سید محمد نجفی یزدی، اخلاق در خانواده و تربیت فرزند، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۸۴

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵



ع. ابراز علاقه

بنای خانواده، بر پایه محبت استوار است. با مهر و دوستی، بسیاری از کاستی‌ها جبران می‌شود و بدون آن، بسیاری از خصلت‌های پسندیده دیگر، درک نمی‌شود. در زندگی زناشویی، الفت و مهربانی، دل‌ها را به هم نزدیک می‌سازد و امید و اطمینان را در وجود همسر می‌نشانند. محبت زن و شوهر نسبت به هم می‌تواند به وسیله زبان یا با روش‌های مختلف در عمل و در موقعیت‌های گوناگون ابراز شود. اظهار دوستی نیز باید با بیان کلماتی صریح و عاشقانه شکل بگیرد تا روح غبار گرفته در مسیر زندگی به پاکی مبدل شود و نشاط و شادابی در رگ‌های زندگی جریان یابد. گرچه محبت امری قلبی است، ولی تا در قالب رفتارها و واکنش‌های متقابل ابراز نشود، کسی از آن آگاه نمی‌شود.

ابراز محبت و علاقه از ضروریات زندگی زن و شوهر موفق است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قول الرجل للمرأة انی احبک لا یذهب من قلبها ابداً»^۱ مرد وقتی که به زنش بگوید دوستت دارم، این سخن هرگز از دل او بیرون نمی‌رود»^۲

از احادیث استفاده می‌شود که اظهار محبت برای مرد و زن، مطلوب است و محبت را مستحکم‌تر می‌سازد.^۳

ولی با توجه به نیاز زن به امنیت و اطمینان خاطر در رابطه صمیمی خود، شوهر موفق آن شوهری است که به این امر اهتمام ویژه بورزد. او منتظر فرصت است تا دلبستگی خود را به زنش ابراز کند. البته خوب است که زن هم بگوید، ولی نیاز زن به شنیدن این حرف‌های شیرین بیش‌تر است.

بسیاری از زن‌ها تشنه این نوع محبت شوهرانشان هستند. زن نیاز دارد و مرد باید این نیاز را برآورده کند. به مناسبات مختلف در طول روز مرد باید محبتش را به زنش ابراز کند، این کار باعث می‌شود که از شوهر اطمینان خاطر پیدا کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اذا احببت احداً من اخوانک فاعلمه ذلک فان ابراهیم علیه السلام قال رب ارنی کیف تحی الموتی قال اولم تومن قال بلی ولكن لیطمئن قلبی»^۴ اگر یکی از برادرانت را دوست



داشتی او را از آن (محبت) آگاه کن.» چون ابراهیم علیه السلام گفت: پروردگارا! به من بنمای چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: آیا ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد: آری، ولیکن [می‌خواهم] که دلم آرامش یابد.»

۵. هدیه دادن

ابراز علاقه و محبت زن و شوهر به هم‌دیگر راه‌های مختلفی دارد که یکی از زیباترین آن هدیه دادن به یک‌دیگر است. قرآن در مواردی از این شیوه مهرآور سخن گفته و گاهی نیز به آن ترغیب نموده است. انسانی که هدیه ای را دریافت می‌کند بی‌اختیار مهر و محبت هدیه دهنده را در دل خود احساس می‌کند. این نکته در روابط زناشویی اهمیت ویژه‌ای دارد.

هدیه دادن در تقویت پیوند عاطفی مؤثر است. در روایات به هدیه دادن سفارش شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «تهادوا تحابوا فانها تذهب بالضعائن»؛ به یک‌دیگر هدیه دهید. این کار باعث می‌شود که به یک‌دیگر محبت بورزید، چون او کینه‌ها را از بین می‌برد.» هدیه می‌تواند نشانه عشق و محبت باشد.

هم‌چنین فرمود: «تهادوا بالنیق تحیی الموده و الموالاة»؛^۱ به وسیله میوه درخت سدر به یک‌دیگر هدیه بدهید، دوستی و محبت زنده می‌شود»^۲ مطالعات نشان می‌دهد که این روش (دادن هدایای کوچک ولی متعدد) از دادن یک هدیه بزرگ مؤثرتر است.

نکته دیگر استفاده از اصل غافل‌گیری است. مرد نباید فقط در مناسبات خاص هدیه بدهد. بهترین شوهر کسی است که هم به طور استمرار (البته با فاصله) هدیه بدهد و هم زن را شگفت‌زده کند.

«ما زن‌ها دوست داریم مردی که ما دوستش داریم ما را متعجب و غافل‌گیر کند... غافل‌گیر شدن با چیزی دلچسب و خوشایند موجب می‌شود احساس کنیم کسی از ما محافظت می‌کند. هنگامی که مردها این خواسته ما را می‌شنوند فکر می‌کنند باید با دو بلیط مسخره به پاریس یا یک گردنبند طلا یا چیزی پر زرق و برق و گران‌قیمت



۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۶.

۲. اصول کافی، ج ۵، ص ۱۴۴.



ما را غافل گیر کنند. اما مردان عزیزاً اصلاً این طور نیست با هر چیزی می‌توانید ما را غافل گیر کنید.»^۱

۶. عفو و گذشت

هرگاه اختلافی میان همسران پدید آید، شایسته است هر کدام چند لحظه با خود خلوت کند و از خود بپرسد: آیا اشتباه از من نبود؟ وقتی به جواب مثبت رسید، با کمال شهامت، از همسر خود عذرخواهی کند و بداند که با این کار، هرگز کوچک نخواهد شد، چون به دستور خدا عمل می‌کند. طرف مقابل نیز بدون منت‌گذاری، پذیرای پوزش او باشد تا با این عمل، صفا و صمیمیت بر خانه حکم‌فرما و نشاط و شادابی در آن حفظ شود.

بیشترین سفارش اسلام در مورد مسائل خانوادگی نیز، گذشت و چشم‌پوشی زن و شوهر از کج‌خلقی‌ها و اشتباه‌های یک‌دیگر است.

زن و شوهر ممکن است گاهی نسبت به یک‌دیگر مرتکب خطا و اشتباه شوند، زن امکان دارد در مسئله خانه‌داری، پخت و پز، توجه به فرزندان، رعایت حق شوهر دچار خطا گردد، مرد نیز ممکن است در رفتار و کردار، اخلاق و روش، کارگردانی منزل و قضاوت در حق زن دچار اشتباه شود. از نظر اخلاقی و شرعی بر زن و مرد لازم است که از همسر خود در موارد لازم گذشت کند. در این زمینه کبر و خودپسندی و بی‌توجهی به شخصیت طرف و روی گردانی از دستوره‌های خدا و انبیا و ائمه در مسئله گذشت و عفو امری ناپسند، و در بعضی از موارد حرام و موجب عقاب الهی است.^۲

برای معاشرت معمولی، عفو و گذشت لازم است و اهل بیت علیهم‌السلام به آن سفارش کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به احادیث زیر اشاره نمود امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «اَنَا اهل بیت مروتنا العفو عمن ظلمنا»^۳ ما اهل بیتی هستیم که جوانمردی ما، گذشت از کسی است که بر ما ستم روا داشته است.»

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «تجاوزوا عن ذنوب الناس يدفع الله عنکم بذلک عذاب النار»^۴

۱. باربارا دی آنجلس، رازهایی درباره زنان، ص ۴۴۷.
 ۲. حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، ص ۲۴۳-۲۴۴.
 ۳. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۱۴.
 ۴. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۹.

از گناهان (و خطاهای) مردم گذشت کنید، خداوند به این دلیل عذاب جهنم را از شما دفع می‌کند!»

در برخی از احادیث گذشت، حق زن دانسته شده است. راوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که حق زن بر شوهر چیست؟ از جمله فرمایشات آن حضرت این جمله بود: «وان جهلت غفر لها!» و اگر او کار جاهلانه انجام داد، شوهر او را ببخشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که صفات بدترین زنان امت را برمی‌شمرد، فرمود: «ان من شر نساءکم... الحقود التي لا تتورع عن قبیح... و لا تقبل له عذراً و لا تغفر له ذنباً!»^۲ از بدترین زنان شما، زن کینه‌توزی است که از هیچ (کار یا سخن) زشت پروایی ندارد... و هیچ عذری از شوهر خود را نمی‌پذیرد و هیچ گناهی از او نمی‌بخشد.»

۷. گفت‌وگوهای مهرآمیز

ارتباط کلامی با عبارات عاطفی و دلنشین می‌تواند روابط زوجین را تقویت نموده و موجب پایداری بنیان خانواده گردد. این شیوه کارآمد تربیتی، نه تنها برای استحکام روابط خانوادگی و ایجاد فضای عاطفی مناسب است بلکه در تربیت فرزندان نیز تأثیر دارد.

خداوند می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۳ و با مردم نیکو سخن بگویید.

با ارتباطات بهتر می‌توان گره‌ها را باز کرد و درها به دیگران گشوده می‌شود که برخی از مصادیق آن بین آحاد بشر مشترک است. همه از راست‌گویی، ابراز محبت، لطیفه‌های خوش‌مزه، عمل به وعده، تقدیر، تشویق و تشکر خوششان می‌آید. در زندگی مشترک حرف‌های شیرین بین زن و شوهر باعث افزایش محبت طرفین می‌شود. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «القول الحسن یشری المال و ینمی الرزق و ینسی فی الاجل و یحبب الی الاهل و یدخل الجنة»^۴ سخن زیبا، دارایی را زیاد می‌کند و روزی را افزایش می‌دهد، اجل را به عقب می‌اندازد و انسان را نزد خداوند محبوب و وارد بهشت می‌کند»

۱. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵.

۳. بقره / ۸۳.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸۶.





در حدیث دیگری، پیامبر ﷺ لطف و مهربانی به خانواده را سیره خود اعلام کرد: «احسن الناس ايماناً احسنهم خلقاً و الطنهم باهله و انا اطنکم باهلی» کسی بهترین ایمان را دارد که بهترین اخلاق را دارد و نسبت به خانواده‌اش مهربان‌تر باشد و من از همه شما به خانواده‌ام مهربان‌تر هستم.»

بنابراین هر کدام از زن و شوهر باید تلاش کنند تا مصداق «سخن زیبا» را پیدا کنند و آن روش را در گفت‌وگو با همسر خود به کار بندند.

به گفتار شیرین جهان دیده مرد کند آنچه نتوان به شمشیر کرد
امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: زیبا و دل‌نشین سخن بگوئید تا پاسخ‌های زیبا و دل‌نشین هم بشنوید. بی‌تردید موجودات عالم به ویژه اقشار مختلف مردم، در هر سن و طبقه‌ای که هستند، از همه چیز بیشتر به مهر و محبت نیاز دارند. خطاب‌های دل‌نشین و گفت‌وگوهای ملامطت‌آمیز و دلربا، روح و جسم انسان را نوازش و مخاطب را تحت تأثیر شدید عاطفی قرار می‌دهد. بعضی از عبارات چنان جذاب و دوست‌داشتنی است که هرگز تا آخر عمر فراموش نمی‌شود.

به شیرین‌زبانی و لطف و خوشی توانی که پیلی به مویی کشی
بنابراین، کلمات و عباراتی که روزانه در میان زوجین ردوبدل می‌شود ممکن است تأثیر بسزایی در تقویت و استحکام روابط مشترک آنان داشته باشد و یا خدای ناکرده به فروپاشی ارکان یک خانواده بینجامد.

ه) روابط جنسی و اثر آن در تحکیم خانواده

انسان دارای مجموعه‌ای از نیازها و غرایزی است که عدم ارضاء یا نقص در ارضای هر یک از آنها موجب ایجاد تزلزل در شخصیت می‌گردد. یکی از نیرومندترین غرایز انسان غریزه جنسی است که بر اثر ازدواج، تأمین این نیاز در مسیر طبیعی و سالم قرار می‌گیرد. ضرورت تأمین نیاز جنسی تنها از بعد مادی و جسمانی نباید مطرح شود، بلکه در پی تأمین این نیاز جسمانی، فرد از لحاظ روانی، ذهنی و اخلاقی نیز به آرامش می‌رسد.

و) حاکمیت ارزش‌ها

همه ارزش‌های دینی و اخلاقی مهم هستند و بسیاری از آن‌ها ارتباط مستقیمی با سعادت و خوشبختی خانواده دارد. ما برخی از آن‌ها را به جهت اهمیت، انتخاب کردیم تا به طور مستقل بحث و بررسی کنیم.

۱. تفوا

یکی از اسرار خانواده موفق این است که محبت و دوستی آن‌ها خدایی و الهی باشد؛ پیش از این که انسانی باشد. محبت و عشق الهی، فوق همه عشق‌هاست و حتی بالاتر از عملکرد فعلی طرف مقابل است. مادامی که هر دو در صراط مستقیم هستند این دوستی برقرار است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «وَدَّ ابْنَاءَ الْآخِرَةِ يَدُومَ لِدَوَامِ سَبَبِهِ»^۱ دوستی اهل آخرت همیشگی است، چون سبب آن دائمی است.»

ولی اگر مصالح مشترک، زن و شوهر را جمع کرده باشد، با از بین رفتن آن‌ها (نیازهای جنسی و شهوی، زیبایی، پست و مقام، تنهایی و نیاز به انیس و رفیق و...) رشته محبت از هم گسسته می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَدَّ ابْنَاءَ الدُّنْيَا يَنْقَطِعُ لَا تَقْطَعُ اسْبَابَهُ»^۲ دوستی و محبت اهل دنیا با بریده شدن اسباب آن بریده می‌شود.»

خوب است که نیت زن و شوهر بهشتی کردن یک‌دیگر باشد، هر دو خدا ترس باشند و به خاطر خدا (منهای عملکرد طرف مقابل) وظایف خود را انجام دهند.

«در بنا و تشکیل خانواده باید این احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده باقی بماند. لذا شما در خانواده‌های متدین که زن و شوهر به این حدود اهمیت می‌دهند، می‌بینید که سال‌هایتمادی با هم زندگی می‌کنند. محبت زن و شوهر به یک‌دیگر باقی می‌ماند و جدایی‌شان از هم سخت است و دل در گرو محبت یک‌دیگر دارند. این حس و این محبت‌هاست که بنای خانواده را ماندگار می‌کند و لذا اسلام به این چیزها اهمیت داده است.»^۳

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۱۷.

۲. همان، ص ۱۳۷.

۳. محمد جواد حاج علی اکبری، مطلع عشق، ص ۳۰.





در حالات امام خمینی (ره) آورده‌اند: علاقه امام به همسرشان نمونه و مثال زدنی است. گواه این سخن، یکی از نامه‌های امام به همسرشان است که با «الهی تصدقت شوم» آغاز می‌شود و پر از واژه‌های دل‌انگیز و سرشار از محبت و صداقت است. در این باره نوه امام می‌گوید: «امام علاقه و محبت وافری به خانم (همسرشان) داشت. هرگاه خانم به سفری می‌رفت، امام دلتنگی می‌کرد و ما هر چه سعی می‌کردیم نمی‌توانستیم غنچه لبخند بر لبانش بنشانیم.»^۱

البته داشتن تقوا فقط به معنای نماز خواندن و روزه گرفتن و امثال آن‌ها نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «رَبِّ مَتَسَكِّ وَ لَا دِینَ لَهُ»^۲ بسا عبادت کننده‌ای که دین ندارد.»

عمل به واجبات عبادی و مالی بسیار مهم است، ولی دین ابعاد دیگر دارد. وظایف انسان در مقابل خانواده و جامعه، ارتباط او با خداوند، تلاش برای تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی...، اقتضا می‌کند که فرد با تقوا باید تلاش کند آن‌ها را هم به جا آورد. زن و شوهر با تقوا علاوه بر آن‌ها یکدیگر را در رسیدن به رضوان الهی کمک می‌کنند.

«هم‌دلی و همکاری کردن، معنایش این است که هم‌دیگر را در راه خدا حفظ کنید. توأسی به صبر و توأسی به حق کنید. اگر خانم خانه می‌بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می‌شود، فرضاً در یک معامله نامشروعی دارد قرار می‌گیرد، توی یک جریان غلطی می‌افتد، توی پول درآوردن نادرست می‌افتد، توی رفیق بازی‌های ناسالم دارد می‌افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست. اگر متقابلاً مرد احساس کرد که همسرش به خطا می‌رود، اولین کسی که باید زن را حفظ کند، شوهر اوست. البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل می‌شود نه با بداخلاقی و قهر و این چیزها. یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند.»^۳

محبت و دوستی، باعث می‌شود که همسر بیش از دیگران بر همسرش تأثیر داشته

۱. فصلنامه تخصصی مدیریت در اسلام، سال سوم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۳۱.

۲. آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۹۹.

۳. محمد جواد حاج علی اکبری، مطلع عشق، ص ۶۱.

باشد. نقش احساسات در تصمیم‌گیری‌ها فوق‌العاده است. نباید پنداشت که حقانیت به تنهایی کفایت می‌کند.

۲. تسلیم و رضا

اعمال انسان، جوارحی یا جوانحی هستند. اهمیت اعمال جوانحی را می‌توان از حدیث معراج فهمید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خداوند متعال پرسید: «یا رب! ای الاعمال افضل؟ فقال الله عزوجل لیس شیء افضل عندی من التوکل علی و الرضا بما قسمت؛^۱ پروردگارا! چه عملی ارزشمندترین کارهاست؟ خداوند فرمود: در نزد من چیزی برتر از توکل بر من و رضایت نسبت به داده‌هایم نیست.»

بنابراین: توکل و رضا که از اعمال جوانحی هستند، بالاترین اعمالی‌اند که انسان می‌تواند انجام دهد. زن و شوهری که این دو صفت را دارند با مشکلات می‌سازند و در عین حال احساس خوشبختی و شادی می‌کنند. اگر احیاناً از لحاظ مالی یا ناراحتی‌های جسمانی یا بگومگوهای بی‌مورد برای هر زن و شوهر ممکن است پیش بیاید، دچار مشکل شوند آن‌ها امیدشان را از دست نمی‌دهند. در فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام انسان، یاد می‌گیرد که قضای الهی همواره به نفع مؤمن تمام می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام در بستر بیماری بودند که یکی از یارانش خدمت امام رسید. امام علیه‌السلام خیلی لاغر شده بود. آن مرد با دیدن این حالت گریست. امام علیه‌السلام فرمود: «چرا گریه می‌کنی؟ عرض کرد: چگونه نگریم در حالی که شما را در این حال می‌بینم!»^۲

امام علیه‌السلام فرمود: «چنین مکن، مؤمن در معرض همه خیرات است؛ اگر اعضایش بریده شود برای او خیر است و اگر مالک مشرق و مغرب عالم شود، [باز] برای او خیر است.»

البته ممکن است انسان به جهت عمل بدش گرفتار نزول بلا شود. چون از جمله دعاهای امام صادق علیه‌السلام این است: «اغفر لی الذنوب التي تغیر النعم و اغفر لی الذنوب التي تحل النعم و اغفر لی الذنوب التي تنزل البلاء»^۳ از من

۱. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۱.

۲. علی سعادت‌پور، سرالاسراء، ج ۱، ص ۶۹.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۸۹.





درگذر گناهایی که باعث تغییر نعمت‌ها می‌شوند! از من درگذر گناهایی که باعث حلول عذاب‌ها می‌شود! از من درگذر گناهایی را که باعث پاره شدن پرده‌های عصمت می‌شود! و از من درگذر گناهایی که باعث نزول بلا می‌شود!»

البته این که خداوند در دنیا انتقام می‌گیرد و تا آخرت صبر نمی‌کند، لطف است، چون این امر می‌تواند باعث تنبّه مؤمنان یا تخفیف گناهان‌شان باشد. اگر صفت رضا و تسلیم در قلب انسان راسخ شده باشد، می‌تواند با نگاه تکلیف‌محوری به ازدواج، بدون هیچ توقع مشغول وظایف خویش شود و از آن فرصت برای خودسازی و تقرب به خداوند استفاده کند.

«صمعی» که مردی متمول و وزیر مأمون بود، نقل می‌کند: «روزی به شکار رفتم. در بیابان بی‌آب و علفی گم شدم. تشنگی مرا از پای درآورده بود. خیمه‌ای در وسط بیابان دیدم. به طرف آن رفتم. دیدم یک زن جوانی در خیمه نشسته، به او سلام کردم و از او تقاضای آب کردم. رنگش پرید. سپس گفت در خیمه آب هست، ولی اجازه ندارم از آن به تو بدهم. ولی مقداری شیر برای ناهار دارم. این را به تو می‌دهم. شیر را به من داد. طولی نکشید که سیاهی از دور پیدا شد. این زن متوجه آن سیاهی شد ظرف آب را برداشت و بیرون از خیمه منتظر ماند. دیدم پیرمرد سیاه و لنگی، که شوهر این زن بود، با شترش آمد! زن به استقبال شوهر خود رفته بود، او را نشانده، پاهایش را شست و بسیار احترامش کرد. ولی هرچه زن محبت و خوش‌اخلاقی می‌کرد، مرد بدخلقی می‌نمود و هرچه خستگی داشت سر آن زن تلافی می‌کرد. هر چه زن با ملاحظت برخورد می‌کرد، شوهرش تند و خشن با او سخن می‌گفت. این منظرهٔ عجیب را نتوانستم تحمل کنم و حاضر شدم از زیر سایه خیمه به زیر آفتاب سوزان بروم اما این صحنه برخورد زن و شوهر را نبینم. از خیمه که بیرون رفتم، مرد به من اعتنایی نکرد، ولی زنش جهت احترام مرا مشایعت کرد، وقتی که این احترام را از آن زن جوان دیدم به او گفتم حیف از جوانی و جمالت نیست؟! جوانی و جمال و اخلاق خود را در ازای چه چیزی در اختیار این مرد گذاشته‌ای؟! او نه جوان است و نه جمال و نه ثروت دارد. پس، چرا این قدر در مقابل او تواضع می‌کنی و به او احترام می‌گذاری؟!»

زن با شنیدن این حرف سخت برآشفته و گفت: افسوس بر تو که با این که وزیر مملکت اسلامی هستی، با این سخنان پوچ می‌خواهی محبت همسر را از دلم بزدایی. چرا سخن چینی می‌کنی؟^۱

[اصمعی] گوید: من از سخنان او متحیر شده بودم، با نصیحت او روبه‌رو شدم که می‌گفت: روایتی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده‌ام و می‌خواهم به این روایت عمل کنم تا این که با ایمان کامل از دنیا بروم. حضرت در آن روایت این چنین فرمود: «الایمان نصفه الشکر و نصفه الصبر».

سپس افزود: «دنیا، چه خوب و چه بد، چه تلخ و چه شیرین، می‌گذرد. ولی مهم این است که انسان با ایمان از دنیا برود. دنیا پل رسیدن به آخرت است و سرایی که همیشه باقی و محل قرار است آخرت است. این‌جا جای مردن و رفتن است و آن‌جا محل قرار و ثبات و جاودانگی است.»^۱

۳. خوش‌خلقی

بداخلاقی، از عادت‌های بسیار ناپسندی است که تحمل آن از سوی همگان، به ویژه همسر، بسیار سخت و گاهی ناممکن است. چنان‌چه یکی از زوجین به این خصلت دچار باشد، خانه و زندگی هر دو به محیطی تبدیل می‌شود که تحمل آن دشوار است. خوش‌خلقی از اوصاف برجسته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۲ و مسلماً تو بر شیوه (اخلاقی) بزرگوارانه‌ای هستی.»

همان صفات عالیه و رفتار شایسته پیامبر صلی الله علیه و آله تأثیر بسزایی در توفیق او در انجام رسالت الهی خود داشت. قرآن کریم می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۳ «و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم‌خو شدی و اگر (بر فرض) تندخویی سخت‌دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند.»

۱. حسین مظاهری، خانواده در اسلام، ص ۱۰۴-۱۰۲.

۲. قلم / ۳.

۳. آل عمران / ۱۵۹.





احتمالاً یکی از پیام‌های مهم این آیه شریفه این است که حقانیت داشتن برای پیشبرد اهداف کافی نیست. برخوردهای اداری خشک موجب پراکنده شدن زیردستان و فرار آن‌ها می‌شود حتی اگر حق با مسئول بالاتر باشد. حتی پیامبران الهی محتاج خوش خلقی و نرم‌خویی هستند.

اگر این صفت برای کارهای اجتماعی مهم است، برای توفیق در اداره منزل ضروری است.

«دستور اسلام این است که شخص مسلمان، غم خود را در دل نگاه دارد و چهره بازش را به برادران و خواهرانش، تحویل دهد. اگر دستور اسلام، درباره برخورد مسلمین عادی و بیگانه چنین باشد، نسبت به زن و شوهری که در یک خانه زندگی می‌کنند و بر یک بالش سر می‌گذارند چه خواهد بود؟ قطعاً در آنجا تأکید بیشتر است که هیچ‌گاه ترش‌رویی و تندى و جبهه‌گیری نباشد.»^۱

احیاناً ما به خاطر نفس و شیطان، همه جا جز در خانه، خوش‌اخلاق هستیم. خارج از منزل به خاطر مصالحی مثل ریا، ترس و... اهل تحمل، گذشت، لبخند و حتی فداکاری هستیم. ولی در خانه، خستگی، تندى و نیش زدن خود را نثار عزیزان خود می‌کنیم. خدا از این کار خوشش نمی‌آید.

«در تاریخ اسلامی می‌خوانیم یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ از دنیا رفت. حضرت در مراسم تدفین او شرکت کردند و به دست حضرتش به خاک سپرده شد، مادرش با جسد می‌گفت: برای تو گریه نمی‌کنم، چرا گریه کنم؟ در حالی که به دست پیامبر ﷺ به خاک سپرده شدی، و حتماً سعادت‌مندی. وقتی که مادر او از سر قبر رفت، پیغمبر خدا ﷺ رو به اصحاب کردند و فرمود: قبر چنان فشاری به او داد که استخوان‌های سینه‌اش در هم شکست. اصحاب عرض کردند: یا رسول‌الله ﷺ او که آدم خوبی بود؟ حضرت فرمود: آری، اما در خانه بد اخلاق بود.»^۲

از قرآن و سنت استفاده می‌شود که اقتضای ایمان به خدا و روز قیامت، خوش‌رفتاری در منزل است. در قرآن کریم، خداوند به مردان مؤمن سفارش می‌کند: «وَعَاشِرُوهُنَّ

۱. سیدجواد مصطفوی، بهشت خانواده، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۸.

۲. حسین مظاهری، خانواده در اسلام، ص ۳۳-۳۴.

بِالْمَعْرُوفِ»^۱ با آنان به طور پسندیده رفتار کنید.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أحسن الناس إيماناً أحسنهم خلقاً و الطنهم باهله و انا الطنكم باهلي»^۲ بهترین مردم از جهت ایمان، خوش اخلاق‌ترین آن‌ها و مهربان‌ترین آن‌ها به خانواده خود است و من مهربان‌ترین شما به عیال خود هستم.»

امام صادق علیه السلام، رفتار شایسته با زن را میثاق خداوند با مردان مؤمن می‌دانست: «قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول اذا اراد الرجل ان يتزوج المرأة فليقل اقررت بالميثاق الذي اخذ الله امساك بمعروف او تسريح باحسان»^۳ من از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: اگر مرد بخواهد با زنی ازدواج کند باید بگوید: به میثاقی که خداوند از [مردان مؤمن] گرفته [یعنی] به طور پسندیده نگه داشتن یا به نیکی آزاد کردن، اقرار کردم.»

زنان نیز موظف هستند که از کج خلقی در خانه پرهیز کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راجع به بدترین زنان امت خود می‌فرماید: «قال من شر نساکم الذلیله فی اهلها العزیزه مع بعلها العقیم الحقود التي لا تتورع عن قبیح المتبرجه اذا غاب عنها زوجها الحصان معه اذا حضر التي لا تسمع قوله و لا تطیع امره فاذا خلایها تمتعت تمتع الصبیه عند رکوبها و لا تقبل له عذراً و لا تغفر له ذنباً»^۴ از بدترین زنان شما کسی است که در میان خانواده خود، خوار بوده ولی نزد شوهرش متکبر باشد، نازا و کینه‌توز باشد، از (کار یا سخن) زشت پرهیزی نکند، وقتی که شوهرش نیست زینت خود را (به دیگران) نشان دهد، ولی برای شوهرش امتناع کند. او به سخن شوهرش گوش نمی‌کند و اطاعت او نمی‌نماید، وقتی که شوهر با او - در کام‌یابی - خلوت می‌کند، همانند مرکب چموش امتناع می‌کند، عذر او را نمی‌پذیرد و از خطای او نمی‌گذرد.»

اهل بیت علیهم السلام صفات دیگری را ذکر کرده‌اند که زنان باید از آن‌ها اجتناب کنند؛ مثلاً پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الرجوه العاصیه»^۵ (بدترین زنان شما)... زن لجباز و عاصی است.»

۱. نساء / ۱۹.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۳. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۰۱.

۴. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۱.

۵. اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۶.





در حدیث دیگر فرموده: «شَرُّ نَسَائِكُمْ... الفَرِثَعُ...»^۱ بدترین زنان شما. زنی است که دائم) چهره خود را در هم می‌کشد...»

رعایت اخلاق اسلامی در خانه، محبت طرفین را افزایش می‌دهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «حَسَنُ الْخَلْقِ يُوْرَثُ الْمَحَبَّةَ وَ يُؤَكِّدُ الْمَوَدَّةَ»^۲ اخلاق نیک محبت را پدید می‌آورد و دوستی را محکم می‌کند.»

این کار، ثواب زیادی نیز دارد. نقل شده که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيُعْطِيَ الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حَسَنِ الْخَلْقِ كَمَا يُعْطِي الْمَجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَفِدُو عَلَيْهِ وَ يَرْوِحُ»^۳ همانا خداوند متعال به بنده‌ای که دارای حسن خلق است ثواب آن مجاهدی می‌دهد که شب و روز مشغول جهاد فی سبیل الله باشد!»

ع. غیرت

ارزش دیگری که باعث حفظ و استحکام خانواده می‌شود این است که شوهر نسبت به زن غیرت داشته باشد. این ارزش دقیقاً در مقابل ارزش‌های غرب است. در فرهنگ غرب، زن نسبت به شوهر غیرتی است، ولی غیرت داشتن برای مرد نکوهش می‌شود. اسلام از مسلمان‌ها - چه مرد و چه زن - می‌خواهد تا نسبت به محرمات و معاصی حساس باشند، ولی غیرت بر همسر، وظیفه مرد است. برخی احادیث مرد را به غیرتمندی تشویق می‌کند، برای نمونه می‌توان به احادیث زیر اشاره نمود:

الف) غیرت از صفات خداوند است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لَيْسَ لَهُ حَرَمٌ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا»^۴ همانا خداوند متعال با غیرت است [و] او هر غیرتمندی را دوست دارد و از غیرت خود فواحش را چه ظاهری و چه باطنی حرام کرده است.»

ب) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كَانَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام غَيُورًا وَ أَنَا أُغْيِرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمُ

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۰.

۲. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۵.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۱.

۴. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۲۵.

اللّٰه انفا من لا یغار من المؤمنین؛^۱ پدرم ابراهیم علیه السلام با غیرت بود و من از او غیرت مندتر هستم و خداوند هر کسی از مؤمنان را که غیرت نمی‌ورزد را ذلیل گرداندا»
 برخی از احادیث، غیرت داشتن مرد را عین ایمان می‌داند؛ مثلاً امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... و غیرة الرجل ایمان؛^۲ ... و غیرت مرد، ایمان است.»

غیرتمندی و حفظ خانواده

غیرت ورزیدن شوهر باعث حفظ خانواده می‌شود، چون باعث کنترل رفتار مرد و زن با نامحرم می‌شود. در مسائل خانوادگی، قانون «هر چه بکارید، همان را برداشت می‌کنید» حاکم است.

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

احادیث فراوانی در این باره وجود دارد که برای نمونه می‌توان به احادیث زیر اشاره نمود:
 «عفوا عن نساء الناس تعف نساءکم؛^۳ از زن مردم پرهیز کنید، زنان شما اهل عفاف خواهند بود.»

در حدیث دیگر آمده: «یا موسی بن عمران من زنی زنی به ولو فی العقب من بعده؛^۴ ای موسی بن عمران! هر کس که زنا کند، ناموس او گرفتار زنا می‌شود ولو این که این کار در نسل او واقع شود!»

شاید به این دلیل باشد که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ما زنی غیور قط»^۵ هرگز مرد غیرتمند زنا انجام نمی‌دهد.»

در حدیث دیگری می‌فرماید: «دلیل غیره الرجل عفته؛^۶ نشانه غیرت مرد عفت او است.»

غیرت شوهر علاوه بر این که باعث عفت او می‌شود برای روحیه زن هم مفید است. به زن هم کمک می‌کند که او هم عفاف را رعایت کند.

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۴.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۲۴.

۳. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵۳.

۴. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۱.

۵. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۱۶.

۶. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۶.





فهرست منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، مؤسسه تحقیقی فرهنگی دارالذکر، قم، ۱۳۸۳.
۲. نهج البلاغه، ترجمه علی اصغر فقیهی، انتشارات صبا، ۱۳۷۶.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶.
۴. ابن ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، انتشارات مکتب الفقیه، قم.
۵. انصاریان حسین، نظام خانواده در اسلام، انتشارات ام ابیها، قم، ۱۳۸۲.
۶. بابازاده، علی اکبر، مسائل ازدواج و حقوق خانواده، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۰.
۷. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۷.
۸. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، دارالمعارف، مصر، ۱۳۸۵ ه.ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، رجا، تهران، ۱۳۶۹.
۱۰. حاج علی اکبری، محمد جوادی، مطلع عشق (گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای به زوجین جوان) دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۲. حسینی‌زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﺍﻟﻤﺘﺤﻴﺪﯨﻦ جلد اول تربیت فرزند، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۳. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. خمینی، روح الله، توضیح المسائل، قم، نشر روح.
۱۵. خمینی، روح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
۱۶. دی آنجلس باربارا، رازهایی درباره زنان، ترجمه هادی ابراهیمی، انتشارات نسل نواندیش، ۱۳۸۳.
۱۷. دی آنجلس باربارا، رازهایی درباره مردان، ترجمه هادی ابراهیمی، انتشارات نسل نواندیش، ۱۳۸۳.
۱۸. رهنما، زین العابدین، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۴۶.
۱۹. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی خانواده، سروش، تهران، ۱۳۷۹.
۲۰. سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی.
۲۱. سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، نشر مشعر، ۱۳۷۷.
۲۲. سعادت‌پرور (پهلوانی تهرانی)، علی، سرالاسراء شرح حدیث معراج، ترجمه سید محمدجواد وزیری فرد، شرکت انتشارات احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۵.
۲۳. سیاسی، علی اکبر، نظریه‌های مربوط به شخصیت، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۴.
۲۴. سیدی، حسین، نگین هستی ناگفته‌هایی از زندگی و شخصیت پیامبر اکرم ﷺ انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۴.

۲۵. شتر، سید عبدالله، اخلاق، ترجمه محمدرضا جباران، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۸.
- الصحیفه السجاده، دفتر نشر الهادی، قم، ۱۳۷۶.
۲۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳
ق. ۵.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳.
۲۸. غزالی، محمد، احیاءالعلوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
۲۹. فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی، بدر، تهران، ۱۳۶۳.
۳۰. فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، انتشارات فقیه، ۱۳۷۸.
۳۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، بیان جوان، تهران، ۱۳۸۲.
۳۲. قنادان، منصور، جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، آوای نور، تهران، ۱۳۷۵.
۳۳. کرمی فریدنی، علی، پرتوی از پیام پیامبر یا برگردانی تازه از نهج الفصاحه، انتشارات حلم،
۱۳۸۵.
۳۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، بهمن برنا، تهران، ۱۳۸۲.
۳۵. کازنو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، اطلاعات،
تهران، ۱۳۷۳.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۳۷. گری، جان، مردان مریخی زنان ونوسی، ترجمه سید رضا نیازی، انتشارات پیک نوید، ۱۳۸۲.
۳۸. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی (سنتس)، ۱۳۸۰.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، روضة المتقین، بنیاد فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۴.
۴۰. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ترجمه رضا شیخی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث،
۱۳۸۴.
۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷.
۴۲. مصطفوی، سید جواد، بهشت خانواده، انتشارات هاتف، مشهد، ۱۳۸۳.
۴۳. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
۴۴. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
۴۵. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، انتشارات شفق، ۱۳۷۲.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
۴۷. موسوی همدانی، محمدباقر، ترجمه المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
۱۳۷۴.
۸۹. میبدی، رشیدالدین، تفسیر کشف‌الاسرار و عدة الابرار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.
۴۹. نجفی، سید محمد، اخلاق در خانواده و تربیت فرزند، انتشارات شکوری، ۱۳۸۵.



۵۰. نجفی، سید محمد، ازدواج و روابط زن و مرد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۷۳.
۵۱. نخل شهدا، فصلنامه تخصصی مدیریت در اسلام، سال سوم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۵۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۲ ه.ق.
۵۳. هاشمی نوریخس، حسن، ورزش از دیدگاه اسلام، انتشارات سبط النبی، ۱۳۸۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی